هم کلاسی

Hamkelasi.ir

فصل (۲) ادبیات پایداری

درس سوم پاسداری از حقیقت

درختان را دوست می‌دارم / که به احترام تو قیام کرده اند / و آب را / که مهر مادر توست / خون تو شرف را سرخگون کرده است / شفق ، آینه دار نجابتت / و فلق ، محرابی / که تو در آن / نماز صبح شهادت گزارده ای

قلمرو زبانی : مَهر: مهریه / شرف: آبرو ، بزرگواری / سرخگون : مانند سرخ ، سرخ رنگ / شفق: سرخی خورشید در هنگام غروب / فلق: سرخی خورشید هنگام صبحدم، فجر / نجابت : اصالت ، پاک منشی ، بزرگواری / محراب : شریف ترین جای مسجد. طاق درون مسجد که به طرف قبله باشد چون طاق مذکور وسیلهٔ جنگ با شیطان است آن را محراب نامیده اند.

قلمرو ادبی : حسن تعلیل: درختان را دوست می دارم، که به احترام تو قیام کرده اند / تشخیص: درختان قیام کرده اند(درختان مانند انسان هایی تصور شده اند که قیام کرده اند) / تلمیح : آب مهریه حضرت فاطمهٔ زهرا است./ سرخ گون کردن کنایه از « ارزش واعتبار دادن» / تشخیص : خون تو شرف را سرخگون کرده است. / تشبیه: شفق آیینه دار است / تشبیه : فلق مانند محرابی است / آب نماد پاکی است / تضادّ شفق و فلق / تناسب: محراب و نماز / فلق و صبح و خون و شهادت

قلمرو فکری : تو: منظور امام حسین (ع) به این دلیل درختان را دوست می دارم که به احترام تو(امام حسین« ع ») به پا خاسته اند./ و آب را دوست دارم که مهریه مادر تو حضرت فاطمهٔ زهرا است/ خون تو به شرافت و بزرگواری ، اعتبار بخشیده است / سرخی غروب پرتوی از نجابت تو را بازتاب می دهد/ و سرخی سپیده دم گویی محرابی است که تو در آن نماز صبح شهادت خواندی و آماده شدی برای شهید شدن (آغاز و پایان هر روز یادآور نجابت و جانفشانی تو در راه برپاداشتن دین خداست).

***

در فکر آن گودالم / که خون تو را مکیده است / هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در حضیض هم می توان عزیز بود / از گودال بپرس.

قلمرو زبانی: گودال: زمین پست ، در اینجا (محل شهادت امام حسین(ع) است ، قتلگاه) / مکیده است : ماضی نقلی / رفیع : بلند، مرتفع / حضیض: جای پست در زمین یا پایین کوه ، فرود / تضاد: رفیع، حضیض

قلمرو ادبی: تلمیح : شهادت امام حسین (ع) تشخیص : گودال خون را بِمَکد. / تناقض (پارادوکس) : رفیع بودن گودال / تشخیص: از گودال چیزی را بپرسیم.

قلمرو فکری: در فکر آن گودالی هستم که در آن به شهادت رسیده ای / تا کنون هیچ گودالی به چنین مقام بلندی دست نیافته بود / از گودال بپرس که حتی می توان در زمین پست باشی و مقامت بسیار بالا مرتبه باشد.

***

شمشیری که بر گلوی تو آمد/ هر چیز و همه چیز را در کاینات به دو پاره کرد:/ هر چه در سوی تو ، حسینی شد/ دیگر سو یزیدی.../ آه ، ای مرگِ تو معیار!/ مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت/ و آن را بی قدر کرد/ که مردنی چنان / عبطهٔ بزرگ زندگانی شد

خونت / با خون بهایت حقیقت / در یک تراز ایستاد/ و عزمت ، ضامن دوام جهان شد/ – که جهان با دروغ می پاشد–/ و خون تو امضای «راستی» است...

قلمرو زبانی: کاینات : بودنی ها ، موجودات، جهان / سُخره : مسخره کردن ، ریشخند / غبطه : رشک بردن ، حال و روز کسی را آرزو داشتن بی آنکه خواهان زوال آن باشیم./ تراز : سطح / خون بها: بهای خون ، دیه ، قصاص / حقیقت: بدل / عزم : قصد ، اراده / ضامن : ضمانت کننده، کفیل ، به عهدهٔ گیرندهٔ غرامت / آه: شبه جمله / چنان اول: قید / چنان دوم: صفت (مردنی چنان: ترکیب وصفی مقلوب)

قلمرو ادبی : مجاز : شمشیر منظور تیغهٔ شمشیر است. / تضاد : حسینی / یزیدی / تشبیه : مرگ تو مانند معیاری است. / تشخیص: مرگ چیزی را به مسخره بگیرد. / زندگی بی قرار باشد. / عزم تو ضامن باشد / خون: مجاز از شهادت / تشبیه : خون تو مانند امضا است. / حسن تعلیل: عزمت ، ضامن دوام جهان شد – که جهان با دروغ می پاشد – / حسینی: کنایه از حق / یزیدی: کنایه از باطل / خون بهایت حقیقت: تشبیه

قلمرو فکری: شهادت تو همهٔ دنیا را به دو بخش تقسیم کرد / آنان که طرفدار تو و حق بودند ؛ شدند حسینی و طرفدار ستمکار و باطل ، شدند یزیدی. / ای کسی که شهادت تو، معیار حق و ناحق است / شهادت تو ، آنچنان زندگی را به ریشخند گرفت و آن را بی ارزش کرد / که مرگی مثل مرگ تو ، آرزوی همهٔ زندگان شده است / خون تو ، با حقیقت که خون بهای تو است در یک ردیف قرار دارد (تو حقیقت محض هستی) / و ارادهٔ تو باعث تداوم دنیا شد – چراکه جهان با دروغ پایدار نمی ماند – / خون تو بود که راستی و حقیقت را در جهان پایدار نمود و به آن استمرار بخشید.

***

تو تنهاتر از شجاعت / در گوشهٔ روشن وجدان تاریخ ایستاده ای / به پاسداری از حقیقت و صداقت / شیرین‌ترین لبخند / بر لبان ارادهٔ توست / چندان تناوری و بلند / که به هنگام تماشا / کلاه از سر کودک عقل می افتد

قلمرو زبانی : تناور: تنومند ، فربه ، قوی جثّه

قلمرو ادبی: تشخیص: وجدان تاریخ ، لبان اراده / گوشه وجدان: اضافه استعاری / تشبیه : صداقت مانند لبخند. / حس آمیزی: لبخند شیرین/ تشخیص: لبان اراده / تشبیه : کودک عقل / کلاه از سر افتادن کنایه از شدّت تحیّر، ناتوانی

قلمرو فکری: شجاعت در تاریخ تنها و بی مانند است. تو تنهاتر از شجاعت در گوشه ای از وجدان بیدار بشریّت برای پاسداری از حق همواره حاضری (هرجا وجدان بیداری هست که از حق پاسداری کند، تو آنجا حضور داری) / و راستی زیباترین لبخندی است که بر لبان ارادهٔ محکم تو می درخشد (تو با اراده ای محکم در راه حقیقت زیبایی آفریدی). / تو آنقدر بلند مرتبه و باشکوه هستی که عقل نوپای بشر نمی تواند مقام تو را درک کند.

***

بر تالابی از خون خویش / در گذر گهِ تاریخ ایستاده ای / با جامی از فرهنگ / و بشریّت رهگذار را می آشامانی

– هر کس را که تشنهٔ شهادت است– ...

قلمرو زبانی: تالاب: آبگیر ، برکه

قلمرو ادبی: اغراق / تشبیه : خونش مانند تالابی زیاد بود. / تشبیه : گذرگه تاریخ / جامی از فرهنگ : فرهنگ استعاره از شراب (فرهنگ به شرابی تشبیه شده است که قابل آشامیدن است) / مراعات نظیر: جام، می، آشامانی، تشنه

قلمرو فکری: تو در طول تاریخ همواره با خون جوشان خود محکم و استوار حضور داشته ای / با فرهنگ عاشورایی خود / به انسان‌ها راه و رسم شهادت را می آموزی.

گوشواره عرش ، مجموعه کامل شعرهای آیینی ، سید علی موسوی گرمارودی

کارگاه متن پژوهی

قلمرو ادبی:

۱– مترادف و متضاد واژهٔ « رفیع » را از متن درس بیابید.

مترادف: بلند متضاد: حضیض

۲– از متن درس ، برای نمودار زیر ، گروه اسمی مناسب بیابید؛ سپس به کمک آن جاهای خالی را پر کنید.

فکر آن گودال – غبطهٔ بزرگ زندگانی –

گروه اسمی

هسته	وابسته	وابسته
اسم	صفت	مضاف الیه
.....غبطه.....	.....بزرگ.....	.....زندگانی.....

قلمرو ادبی:

۱– دو نمونه از کاربرد « تشخیص » در متن درس مشخّص کنید. درختان قیام کرده اند / از گودال بپرس

۲- شعر سپید ، گونه ای از شعر معاصر است که آهنگ دارد امّا وزن عروضی ندارد و جای قافیه ها در آن مشخّص نیست.

شعر « پاسداری از حقیقت » را از این دید بررسی کنید. این شعر نیز وزن عروضی ندارد – قافیه ندارد – آهنگ دارد .

۳- در کدام قسمت از متن درس « حسن تعلیل » به کار رفته است؟ دلیل خود را بنویسید.

الف : عزمت ، ضامن دوام جهان شد ب: درختان به احترام تو قیام کرده اند

قلمرو فکری:

۱- با توجه به متن درس ، شاعر چه نوع مرگی را غبطهٔ بزرگ زندگانی می داند؟ شهادت در راه خدا

۲- در متن درس ، « عقل » با چه ویژگی هایی وصف شده است ؟ چرا ؟

عقل چون کودکی از درک مقام والای امام حسین (ع) ناتوان وحیران است

۳- هر یک از موارد زیر ، با کدام قسمت از شعر « پاسداری از حقیقت » ارتباط معنایی دارد؟

شَرَفُ المَکانِ بِالمَکینِ.(ارزش هر جای و جایگاهی به کسی است که در آن قرار گرفته است.)

در فکر آن گودالم / که خون تو را مکیده است / هیچ گودالی چنین رفیع ندیده بودم / در حضیض هم می توان عزیز بود / از گودال بپرس

وَ بَذَلَ مُهجَتَهُ فیک لِیَستَنقِذَ عبادَک مِنَالجَهالَه و حَیرَه الضّلاله.

(او ، حسین (ع)، خونش را در راه تو داد تا بندگانت را از نادانی و سرگردانیِ گمراهی نجات بخشد.)

برتالابی از خون خویش/در گذرگهِ تاریخ ایستاده ای/ با جامی از فرهنگ / و بشریّت رهگذار را می آشامانی /هر کس را که تشنهٔ شهادت است

گنج حکمت: **دیوار عدل**

عاملِ شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر، خراب شده است، آن را عمارت باید کردن. جواب نبشت که شهر را از عدل، دیوار کن و راه‌ها از ظلم و خوف پاک کن، که حاجت نیست به گِل و خشت و سنگ و گچ. سیاست‌نامه، خواجه نظام‌الملک توسی

قلمرو زبانی: عامل: والی ، حاکم / عمارت: تعمیر، ترمیم ، آبادانی / نبشت: نوشت / خوف: ترس / حاجت نیست : نیاز وجود ندارد

قلمرو ادبی: تضاد: خراب، عمارت / تشبیه: شهر را از عدل دیوار کن / مراعات نظیر: گِل، خشت، سنگ، گچ

قلمرو فکری : شهر را از عدل دیوار کن: برای شهر دیواری از عدالت بساز.

درس چهارم

درس آزاد

درس پنجم — بیداد ظالمان

قالب شعر: قصیده

۱– هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی : رونق: فروغ روشنایی، اعتبار

قلمرو ادبی: گذر مرگ: کنایه از نابودی و زوال / تشخیص: گذر کردن به مرگ نسبت داده شده است / زمان و جهان: قافیه / جهان: مجاز از زندگی / رونق زمان: کنایه از رونق و شکوه دوران – روزگار قدرت و تسلط

قلمرو فکری : مرگ به سراغ شما نیز خواهد آمد / رواج و گرمی بازار شما هم با آمدن مرگ به پایان می‌رسد.

۲– وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: بوم: جغد / محنت: رنج، اندوه و غم / از پیِ: به خاطرِ / دولت: دارایی / دولت آشیان : آشیانِ دولت، خانهٔ خوشبختی

قلمرو ادبی: بوم محنت: اضافه تشبیهی / بوم (جغد): نماد شومی / بوم محنت بر آشیان کسی گذشتن: کنایه از نابودی قدرت و اعتبار / تلمیح: بوم محنت... (اشاره دارد به اعتقادی عامیانه دربارهٔ نحس بودن جغد. گذشتگان می پنداشتند که عبور جغد از کاشانه ای باعث ویرانی آن می‌گردد.) / دولت آشیان : تشبیه

قلمرو فکری: رنج و سختی، جغد شوم و ویرانگری است که به ما بسنده نمی‌کند؛شما را نیز خانه خراب خواهدکرد.

۳– آب اجل که هست گلوگیرِ خاص و عام بر حلق و بر دهانِ شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: اجل : مرگ / گلوگیر : قطع کننده نفس

قلمرو ادبی: آب اجل: اضافه تشبیهی / مصراع اول: تشخیص / خاص و عام: مجاز از همه / تلمیح به آیه « کل نفس ذائقة الموت» / آب اجل بر حلق کسی گذشتن کنایه از: مرگ و نابودی / مراعات نظیر: (گلو ، حلق، دهان) / تضاد: (خاص ، عام) / گلو گیر بودن کنایه از کشنده بودن

قلمرو فکری : مرگ که به هیچ کس رحم نمی‌کند و دامنگیر همه می‌شود به سراغ شما نیز خواهد آمد.

۴– چون دادِ عادلان به جهان در، بقا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: چون: حرف ربط وابسته ساز / داد: عدالت و انصاف / بقا: باقی، جاودانگی، ماندگاری / داد: عدل / بگذرد: تمام می شود / بیداد : بی عدالتی، ظلم / آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم از نشانه های سبک قدیم است؛ به جهان در .

قلمرو ادبی : داد و بیداد : تضاد / واج آرایی « ا ، د »

قلمرو فکری : وقتی عدالت و دادپروری عادلان، در جهان باقی نماند / پس ظلم و ستم شما ظالمان نیز پایدار نخواهد ماند.

* ارتباط معنایی دارد با:۱- ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما / بر قصر ستم کاران تا خود چه رسد خذلان(خاقانی)
۲- نماند همی نیک و بد پایدار

۵- در مملکت چو غرّش شیران گذشت و رفت این عوعوِ سگان شما نیز بگذرد

قلمرو ازبانی: غرش: صدای مهیب ، فریاد ترسناک

قلمرو ادبی: غرّش شیران، استماره از عدل و داد و فرمانروایی حاکمان بزرگ / سگان؛ استعاره از : حکومت ذلت بار ظالمان و حاکمان نالایق / تضاد: (شیران، سگان) و (غرش ، عوعو) / مملکت مجازا دنیا / شیران استعاره از شجاعان و بزرگان / عو عو: استعاره از قدرت های ظاهری

قلمرو فکری: وقتی فریاد و غرّش شیرمردان و انسان‌های دلیر باقی نماند پس این پارس کردن‌های شما فرومایگان نیز از بین خواهد رفت. / (زوال پذیری شکوه و قدرت ظاهری انسان های پست و فرومایه)

۶- بادی که در زمانه بسی شمع ها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: چراغدان : جای چراغ ، وسیله ای که چراغ را از باد و باران محافظت می کند.

قلمرو ادبی: باد: استعاره از مرگ / شمع: استعاره از وجود انسان های بزرگ/ چراغدان: استعاره از زندگی – عمر / باد بر شمع و چراغدان وزیدن: کنایه از مرگ و نابودی / تلمیح به آیهٔ: « کل نفس ذائقة الموت» / کشتن: کنایه از خاموش کردن / مراعات تظیر: (شمع و چراغدان)

قلمرو فکری: حوادث روزگار که قدرت‌های زیادی را از بین می برد، روزی شکوه و رونق شما را نیز از بین خواهد برد. (این بادِ مرگ ، چراغ زندگی شما را نیز خاموش خواهد کرد.)

۷- زین کاروانسرای بسی کاروان گذشت ناچار ، کاروانِ شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: کاروانسرا: دنیا / کاروان: زندگی ، انسان ها

قلمرو ادبی: کاروانسرا: استعاره از دنیا / کاروان در مصراع اول استعاره از انسان ها. کاروان دوم استعاره از عمر زندگی و حکومت / تکرار: (کاروان) / واج آرایی« ا »

قلمرو فکری : به این دنیا که همانند کاروانسرا است افراد زیادی آمدند و از آن رفته‌اند پس شما نیز به ناچار دنیا را ترک خواهید کرد.

۸- ای مُفتخر به طالعِ مسعود خویشتن تأثیر اختران شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: مفتخر: صاحب افتخار / طالع: سرنوشت، بخت / مسعود: فرخنده، نیکو / اختران : ستارگان / خویشتن : ضمیر مشترک

قلمرو ادبی: تلمیح: اعتقاد قُدما بر این بود که ستارگان بر سرنوشت ما تأثیر دارند. / مصراع دوم کنایه از: بخت نیک شما نیز به پایان خواهد رسید./ مراعات نظیر: (طالع و اختران) / واج آرایی: «ت»

قلمرو فکری : ای کسی که به بخت و اقبال خود می نازی و به آن افتخار می‌کنی، این خوشبختی و خوش اقبالی شما نیز سپری خواهد شد.

۹- بر تیر جورتان ز تحمّل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: جور : ستم / سختی کمان: قدرت

قلمرو ادبی: اضافه تشبیهی : تیر جور (جور مانند تیر است) / تشبیه : ز تحمل سپر کنیم« تحمّل مانند سپری است » / سپر کردن : کنایه از: دفاع کردن / سپر کردن تحمّل: کنایه از مقاومت در برابر ظلم و ستم / گذشتن سختی کمان: کنایه از به پایان رسیدن ظلم / مراعات نظیر: (تیر، سپر ،کمان)

قلمرو فکری : در مقابل ظلم و ستم شما صبر و بردباری می‌کنیم، تا دوران پر از سختی و ظلم و ستم شما نیز به پایان برسد.

۱۰– ای تو رمه سپرده به چوپانِ گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: رمه: گله / گرگ طبع: گرگ صفت، درنده خو / شبان: چوپان

قلمرو ادبی: رمه: استعاره از مردم / چوپان: استعاره ازکارگزاران ظالم درنده خو / گرگی: استعاره از رفتار ظالمانه / شبان: استعاره از حاکمان ظالم / گرگ، رمه، چوپان، شبان: مراعات نظیر/ پارادوکس (متناقض نما): گرگ طبع بودن شبان (گرگی شبان) / گرگ طبع : تشبیه

قلمرو فکری : ای کسی که مردم را به دست کارگزاران درنده خو سپرده‌ای، این درنده خویی کارگزاران شما نیز از بین خواهد رفت. سیف فَرغانی

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی :

۱– در شعری که خواندید، پنج واژهٔ مهمّ املایی بیابید و بنویسید.

رونق ـ محنت ـ اجل ـ غرّش ـ طالع

۲– تفاوت معنایی فعل‌های مشخّص شده را توضیح دهید:

- گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید (از بین برد)
- بادی که در زمانه بسی شمع ها بکُشت هم بر چراغـــدان شما نیز بگذرد (خاموش کرد)

۳– برای هر واژهٔ مشخص ، یک مترادف از متن درس بیابید.

بـر در بـخـت بـــد فـــرو آیـد هر که گیرد عنان ش ، آز ناصر خسرو

طالع

همّت بلند دار که نزد خدا و خلق باشد به قدر همّت تو اعتبار تو ابن یمین

رونق

قلمرو ادبی:

۱– قافیه و ردیف را در بیت نخست این سروده مشخص کنید. قافیه : جهان ، زمان ردیف: شما نیز بگذرد

۲– در بیت زیر ، کنایه ها را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید:

بر تیر جورتان ز تحمّل سپـر کنیم تا سختی کمـــان شمـا نیز بگذرد

سپر کردن : دفاع کردن / سختی کمان شما نیز بگذرد : سرسختی و قدرت شما نیز تمام می شود.

۳- در بیت پنجم ، استعاره ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید. شیران : استعاره از مردان مبارز و شجاع / سگان : استعاره از مردان پست و فرومایه.

قلمرو فکری:

۱- با توجّه به توضیح زیر ، معنی و مفهوم بیت اوّل درس را به نثر روان بنویسید.

« سیف الدین محمد فَرغانی ، در سدهٔ هفتم هجری ، هنگامی که شهرهای بزرگ و آبادان ایران ، در آتش بیداد مغولان می سوخت ، این شعر را سرود. سیف در این سروده ، از رفتار ظالمانهٔ فرمانروایان و تاخت و تاز سپاه مغول ، با بیان کوبنده ای انتقاد می کند.

۲- در بیت زیر، مقصود شاعر از «رمه» ، «چوپان گرگ طبع» و «گرگیِ شبان» چیست؟

ای تو رمه سپرده به چوپانِ گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد

رمه: مردم / چوپان گرگ‌طبع: حاکم ظالم و درنده‌خو / گرگی شبان: ستم و درنده‌خویی حاکم

۳- از متن درس ، برای حدیث و آیهٔ زیر، نمونه بیتی مرتبط بیابید و بنویسید:

«الدّهرُ یَومانِ یومٌ لَک و یَومٌ علیک». امام علی (ع)

ای مُفتخَر بـــه طالعِ مسعـــود خویشتن تأثیـر اختـران شمـــا نیـــز بگذرد

«کلُّ نفسٍ ذائقهُ الموت». سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۸۵

هم مرگ بر جهـــــان شما نیز بگـــذرد هم رونـــق زمان شما نیـــز بگذرد

بادی که در زمانه بســـی شمع ها بکُشت هم بـــر چراغدان شمـا نیـز بگذرد

٤- سرودهٔ زیر، یادآور کدام بیت درس است؟ بیت چهارم

ما بارگهِ دادیم، این رفت ستـم بر ما بر قصـر ستمکاران ، گویی چه رسـد خذلان؟ خاقانی

خذلان: خواری ، پستی، مذلّت

شعر خوانی — همای رحمت

۱- علی ای همـای رحمت تو چه آیتی خـدا را که به ما سوا فکنـدی همه سایهٔ همـا را

قلمرو زبانی : « را » مصرع اول: حرف اضافه / « را » مصرع دوم : مفعولی / هما: پرنده سعادت / ماسوی: همه موجودات مخفف (ماسوی الله) آیت: نشانه

قلمرو ادبی : همای رحمت: تشبیه / هما: استعاره از حضرت علی

قلمرو فکری : ای علی، ای همای سعادت ، تو چه نشانه ای از خداوند هستی، که سایه خوشبختی و رحمت خداوند را بر سر همهٔ موجودات عالم افکندی.

۲- دل اگر خـدا شنـاسی همه در رخ علی بین به علی شنـاختم من ، به خـدا قسم خـدا را

قلمرو زبانی: دل: منادا / خداشناس: مسند / به خدا قسم: حذف فعل به قرینه معنوی

قلمرو ادبی: دیدن در رخ علی: کنایه از توجه کردن/ دل: تشخیص(ای دل)/ علی و خدا: تکرار/ رخ: مجاز از وجود

قلمرو فکری : ای دل، اگر می‌خواهی خدا را بشناسی به چهره علی نگاه کن، به خدا سوگند که با وجود علی است که من خدا را شناخته ام. مفهوم: خداشناسی با شناخت امام علی به کمال می رسد.

۳– برو ای گدای مسکین در خانهٔ علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

قلمرو زبانی : کرم: لطف، بخشش، جوانمردی / « را » مصرع دوم: حرف اضافه / مسکین: بیچاره، فقیر

قلمرو ادبی : درکسی را زدن: کنایه از درخواست کمک / نگین: مجاز از انگشتری / تلمیح به بخشیدن انگشتری بر سر نماز

قلمرو فکری : ای گدای بی چاره برو به خانه ی علی (ع) و از او چیزی بخواه چرا که علی (ع) به گدایان فراوان بخشش می کند.

۴– به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا؟

قلمرو زبانی : مدارا: به مهربانی رفتار کردن

قلمرو ادبی : تلمیح به ضربت خوردن حضرت علی به دست ابن ملجم / مصرع اول : استفهام انکاری

قلمرو فکری : تنها علی (ع) است که به پسر خود سفارش می کند که با قاتل خود با نرمی و ملایمت رفتار کند .

۵– به جز از علی که آرد پسری ابوالعجایب که علم کند به عالم شهدای کربلا را؟

قلمرو زبانی : ابوالعجایب: صاحب شگفتی ها / علم: پرچم ، درفش ، لوا ، بیرق (واژه هم آوا: الم)

قلمرو ادبی: مصرع اول: استفهام انکاری/علم کردن:کنایه از معروف کردن/علم و عالم: جناس/تلمیح: به واقعه کربلا

قلمرو فکری : تنها علی (ع) است که پسری دارد که می تواند شهدای کربلا را در عالم مشهور سازد.

۶– چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان چو علی که می تواند که به سر برد وفا را؟

قلمرو زبانی : چو: حرف ربط / پاکبازان: عاشقان واقعی

قلمرو ادبی : مصرع دوم: استفهام انکاری / مصرع دوم که (ضمیر پرسشی) و که (حرف ربط): جناس همسان / تلمیح: به شب هجرت و وفاداری حضرت علی و اثبات وفاداری

قلمرو فکری : تنها علی(ع) وقتی که با خداوند عهد می بندد تا لحظه ی آخر بر سر عهد و پیمان خود باقی می ماند و آن را به پایان می رساند.

۷– نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت متحیّرم چه نامم شَه ملک لافتی را

قلمرو زبانی : نه: حرف ربط / متحیر: مسند

قلمرو ادبی : شه ملک لافتی: استعاره از حضرت علی / نه خدا توانش خواند: اغراق / شه ملک لافتی...: تلمیح به حدیث" لافتی الا علی لا سیف الا ذو الفقار"

قلمرو فکری : نه می توانم او را خدا بخوانم و نه می توانم بشر بگویم، در حیرت هستم که پادشاه سرزمین جوانمردی را چه باید بنامم.

۸– چه زنم چو نای هر دم، ز نوای شوق او دم؟ که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوا را

قلمرو زبانی : نای: نی / نوا: صدا ، آهنگ / لسان غیب: لقب حافظ / را: نشانه مفعول

قلمرو ادبی : چو نای: تشبیه / دم اول: مجاز از لحظه / دم دوم: مجاز از سخن / دم و دم: جناس همسان / دم ، نای و بنوازد: مراعات نظیر

قلمرو فکری : چرا هر لحظه از شوق و اشتیاق به او همانند نی ناله سر دهم ؟ در حالی که حافظ بهتر توانسته است این شوق و اشتیاق را بیان کند...

۹– همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایی بنوازد آشنا را

قلمرو زبانی : همه شب: ترکیب وصفی / این امید: وصفی

قلمرو ادبی : بیت تضمین از حافظ / پیام رسانی نسیم: تشخیص

قلمرو فکری : تمامی شب را به این امید می گذرانم که نسیم صبح از آشنایی برایم پیام محبت بیاورد ، تا مایه ی آرامش خاطر من شود.

۱۰– ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا

قلمرو زبانی : شهریار: منادا / مرغ یا حق: پرنده شباهنگ / شهریار: تخلص (نام شعری شاعر)

قلمرو ادبی : دل شب: استعاره

قلمرو فکری : ای شهریار ، از ناله های مرغ شب یاد بگیر که راز و نیاز کردن با دوست در نیمه های چه قدر زیبا و خوش است.

سید محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار)

درک و دریافت

۱– برای خوانشِ مناسب و تأثیر گذار این سروده به چه نکاتی باید توجّه داشت؟

لحن عاطفی و ملایم که بیانگر ارادت شهریار به حضرت علی است

۲– در این سروده به کدام ویژگی های شخصیت والای حضرت علی (ع) اشاره شده است؟

بخشش و جوانمردی – سفارش به رفتار خوب با اُسرا – وفاداری نسبت به عهد وپیمان